





دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته اقتصاد گرایش توسعه اقتصادی

عنوان

رابطه بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران

استاد راهنما

دکتر شمس الله شیرین بخش

استاد مشاور

دکتر صدیقه عطرکار روشن

دانشجو

آذر فاضلی فارسانی

اسفند ماه ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به  
دانشگاه الزهراء (س) است.

از زحمات اساتید محترم جناب آقای دکتر شمس الله شیرین بخش و  
سرکار خانم دکتر صدیقه عطرکار روشن که مرا در تمامی مراحل تحقیق  
همراهی نموده اند، کمال تشکر را دارم.

## چکیده

در مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۶ - ۱۳۵۶، با استفاده از مدل خود رگرسیون برداری (VAR) پرداختیم. در این ارتباط ابتدا ایستایی متغیرها را با استفاده از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته در داده های سری زمانی بررسی کرده، نتایج نشان دهنده ایستایی متغیرها با یک بار تقاضل گیری می باشد. سپس رابطه تعادلی و بلند مدت (همگرایی) الگوی مورد نظر را با استفاده از آزمون همگرایی یوهانسن ارزیابی کرده ایم، که نتیجه آزمون حاکی از وجود یک بردار همگرایی بین توسعه بیمه و رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. که موید این مطلب است که در بلند مدت تاثیر توسعه بیمه بر روی رشد اقتصادی در ایران در دوره ی زمانی مورد نظر مثبت و معنی دار می باشد.

**کلید واژه:** بیمه - رشد اقتصادی - مدل VAR - آزمون همگرایی

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ..... ۲
- ۲-۱- مسئله پژوهش و اهمیت موضوع ..... ۳
- ۳-۱- سؤالات اساسی پژوهش ..... ۴
- ۴-۱- قلمرو پژوهش ..... ۴
- ۵-۱- اهداف پژوهش ..... ۴
- ۶-۱- فرضیات پژوهش ..... ۴
- ۷-۱- روش انجام پژوهش ..... ۵
- ۸-۱- ساختار پژوهش ..... ۵

### فصل دوم: مبانی نظری

- ۱-۲- مقدمه ..... ۷
- ۲-۲- رشد اقتصادی از دیدگاه اقتصاددانان مختلف ..... ۷
- ۱-۲-۲- تئوری رشد آدام اسمیت ..... ۸
- ۲-۲-۲- دیوید ریکاردو ..... ۹
- ۳-۲-۲- جان استوارت میل ..... ۱۱
- ۴-۲-۲- الگوی رشد اقتصادی هارود-دومار ..... ۱۱
- ۵-۲-۲- ژوزف شومپتر ..... ۱۸
- ۶-۲-۲- دیدگاه کینز ..... ۱۹
- ۷-۲-۲- مدل رشد سولو ..... ۲۰

۲۱-۲-۸-مدل رشد درون زای رومر.....۲۱

۲۱-۳-۱- بررسی نقش موسسات مالی در رشد اقتصادی.....۲۱

۲۵-۳-۲- عملکرد شرکت های بیمه و رشد اقتصادی.....۲۵

۲۸-۴- جمع بندی و خلاصه فصل دوم.....۲۸

### فصل سوم: پیشینه تحقیق

۳۰-۱-۳- مقدمه.....۳۰

۳۰-۲-۳- مروری بر مطالعات انجام شده در خارج از ایران.....۳۰

۳۷-۳-۳- جمع بندی و خلاصه فصل سوم.....۳۷

### فصل چهارم: ارائه مدل، برآورد الگو، تجزیه و تحلیل یافته ها

۳۹-۱-۴- مقدمه.....۳۹

۳۹-۲-۴- معرفی الگوی تحقیق و روش برآورد.....۳۹

۳۹-۲-۱- الگوی تحقیق و جمع آوری داده ها.....۳۹

۴۲-۲-۲- روش برآورد.....۴۲

۴۲-۲-۳- آزمون ایستایی در داده های سری زمانی.....۴۲

۴۵-۲-۴- انتخاب تعداد وقفه بهینه در مدل VAR.....۴۵

۴۵-۲-۵- همگرایی.....۴۵

۴۷-۳-۴- برآورد الگو و نتایج.....۴۷

۵۳-۴-۴- نتیجه گیری.....۵۳

### فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری

۵۵-۱-۵- خلاصه تحقیق.....۵۵

۵۵-۲-۵- نتیجه گیری.....۵۵

۵-۳- توصیه های سیاستی و پیشنهادات.....۵۶

فهرست منابع.....۵۷

پیوست.....۶۵



# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مقدمه

بر اساس تئوری های مالی رشد، موسسات مالی رشد اقتصادی را از طریق کانال های تولید نهایی سرمایه، افزایش کارایی از کانال پس انداز به سرمایه گذاری، نرخ پس انداز و ابداعات تکنولوژی حمایت می کنند. (لوین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷).

موسسات مالی به واسطه ی عملکردشان بر رشد اقتصادی تاثیر می گذارند. این عملکردها عبارتند از:

ارائه ابزار پرداخت برای تسهیل مبادله ی کالاها، دارایی ها و خدمات، فراهم ساختن مکانیزمی برای ادغام منابع و تقسیم سهام شرکت های مختلف، تخصیص منابع، مدیریت ریسک و اطلاعات قیمتی برای کمک به هماهنگ کردن تصمیم گیری های غیر متمرکز در بخش های مختلف اقتصادی و ابزاری برای تعدیل پاداش های ناشی از اطلاعاتی که در یک معامله مالی یک طرف معامله دارد که طرف دیگر ندارد یا وقتی یک شخص به عنوان واسطه عمل می کند (کاهش اطلاعات نامتقارن) (مرتن و بودای<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵).

شرکت های بیمه در بین موسسات مالی نقش مهمی را در راستای مدیریت ریسک بنگاهها به عهده دارند. این شرکتها با دریافت مبالغی تحت عنوان حق بیمه، پرداخت خسارت های احتمالی را در آینده تعهد می نمایند. از آنجا که وقوع خسارتها اولاً با احتمال مواجه است و ثانیاً مربوط به زمان آینده می شود، وقفه زمانی قابل ملاحظه ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارتها در صورت وقوع، وجود دارد. این وقفه زمانی است که در حقیقت امکان سرمایه گذاری وجوه انباشته شده تحت عنوان حق بیمه را فراهم می کند. و از این طریق امکان اثر گذاری بر رشد اقتصادی را فراهم می کند.

---

<sup>۱</sup>- Levine

<sup>۲</sup>- Merton & Bodie

## ۱-۲- مسئله پژوهش و اهمیت موضوع

بیمه یک موسسه مالی غیر بانکی است که به ایجاد امنیت و اطمینان، کمک می کند. و زمینه گسترش فعالیت های تولیدی و خدماتی را فراهم می سازد. به بیان دیگر شرکت های بیمه به ایجاد ثبات مالی کمک می کنند و اضطراب را از طریق جبران خسارت کاهش می دهند. همچنین شرکت های بیمه جانشین های نزدیکی برای برنامه های تامین اجتماعی دولت هستند. نکته ی دیگری که در زمینه نقش شرکت های بیمه در تجهیز منابع پس انداز ی به عنوان یک نهاد مالی باید مورد توجه خاص و ویژه قرار گیرد این است که در کشورهای در حال توسعه با سطح درآمد سرانه پایین و به ویژه در دوره های سخت اقتصادی و تورمی شدید، قدرت پس اندازی و تجهیز منابع سایر ابزار های مالی به شدت کاهش می یابد و پس انداز حاصل از فعالیتهای بیمه ای به تنها کانال پس اندازی مردم مبدل می شود. لیکن نقش این نهاد مالی در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً از سطح درآمد سرانه پایین برخوردارند و با کمبود منابع پس اندازی جهت سرمایه گذاری و رشد تولید مواجه بوده و بحران های متعدد اقتصادی و تورم بالا از خصوصیات ویژه اقتصاد آنها است بیش از کشور های توسعه یافته باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

همچنین ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که توسعه بیمه و شاخص هایی همچون رشد اقتصادی، افزایش محصول ناخالص داخلی و رفاه اجتماعی عموم مردم در یک ارتباط تنگاتنگ و دوطرفه امکان پذیر است، چنانچه نظریات موجود بیان می کنند: پوشش های بیمه ای در سطوح خرد و کلان، از یک طرف به پایداری رشد اقتصادی کشور کمک می کنند و زمینه ساز افزایش میزان سرمایه گذاری ها و جلب اعتماد در عرصه تولید و خلق ارزش افزوده می شوند و از طرف دیگر، با افزایش پس اندازهای ملی در جامعه از طریق جذب درآمدهای فعلی برای جبران خسارت احتمالی در آینده و افزایش سهم و نقش صنعت بیمه به عنوان جزئی از کل

اقتصاد، احتمالاً به توسعه و رشد اقتصادی کشور می انجامد. بدون شک نمی توان نقش پر رنگ بیمه را در اشتغال، اقتصاد ملی، درآمد سرانه نا دیده انگاشت.

لذا مسئله اصلی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار می گیرد بررسی رابطه بلند مدت میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی است.

### ۳-۱- سؤالات اساسی پژوهش

۱- آیا رابطه بلند مدت میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد؟

۲- آیا رابطه معنی داری بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد؟

### ۴-۱- قلمرو پژوهش

در این پژوهش ما رابطه ی بلند مدت میان توسعه ی بیمه و رشد اقتصادی را در ایران در دوره ی زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۶ مورد مطالعه قرار می دهیم.

### ۵-۱- اهداف پژوهش

هدف اصلی از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بلند میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران می باشد. ارائه راهکارهای مناسب نیز برای اتخاذ سیاست های اصولی، از اهداف فرعی این پژوهش می باشد.

### ۶-۱- فرضیات پژوهش

۱- رابطه بلند مدت میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد.

۲- رابطه معنی داری میان توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران وجود دارد.

## ۷-۱- روش انجام پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش تشریحی و کمی می باشد که برای شناسایی از روش کتابخانه ای استفاده شده است. تجزیه و تحلیل به روش تحلیل آماری و نیز رویکرد نوین اقتصاد سنجی سری زمانی و با استفاده از برنامه نرم افزاری Eviews 6 انجام پذیرفته است. در این تحقیق با استفاده از روش سری زمانی و الگوی خود رگرسیون برداری (VAR) به بررسی رابطه بلند مدت بین توسعه بیمه و رشد اقتصادی در ایران برای دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۶ می پردازیم. همچنین تمام داده های مربوط به متغیرهای الگو از گزارش ((حساب های ملی ایران)) انتشارات بانک مرکزی و از ((گزارش تحولات بیمه های بازرگانی از آغاز تا ۱۳۷۰)) دفتر مطالعات و پژوهش های بیمه ای بیمه مرکزی ایران، فصل نامه های سال های (۱۳۷۱-۱۳۸۶) بیمه مرکزی، شاخص های توسعه جهان،<sup>۱</sup> بانک جهانی استخراج شدند.

## ۸-۱- ساختار پژوهش

پایان نامه حاضر در ۵ فصل تدوین شده است. در فصل اول به ارائه کلیاتی راجع به تحقیق و اهمیت موضوع می پردازیم. در فصل دوم، مبانی نظری و نظریات موجود در ارتباط با رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه بیمه بررسی می شود. در فصل سوم به مرور مطالعات انجام شده در خصوص رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه بیمه در داخل و خارج از کشور می پردازیم و در فصل چهارم، مدل و روش شناسی تحقیق معرفی تفسیر و بحث می شود و پس از تجزیه و تحلیل نتایج تخمین ها، در فصل ۵، جمع بندی و نتیجه گیری بر اساس یافته های تحقیق صورت می گیرد.

---

<sup>1</sup> - World Development Indicators

# فصل دوم

## مبانی نظری

## ۲-۱- مقدمه

رشد اقتصادی در مفهوم کلی خود عبارت است از، افزایش مداوم تولید ناخالص سالانه ملی به قیمت های ثابت که معمولاً از طریق استفاده بیشتر از عوامل تولید، به فرض آنکه شرایط تکنیکی در اقتصاد ثابت باشد، انجام می گیرد.

بنابر تعریف دیگری، رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می شود. (برانسون، ویلیام، ۱۳۷۶)

از لحاظ تاریخی، رشد در مقدار مطلق کالاها و خدمات معمولاً با افزایش در میانگین رفاه مادی و یا مقدار تولید برای هر نفر و همچنین با رشد جمعیت همراه بوده است.

از انجایی که رشد و توسعه ی اقتصادی همواره به عنوان یکی از اهداف محوری نظام های اقتصادی مطرح بوده و ذهن اقتصاددانان و سیاست گذاران اقتصادی را به خود مشغول کرده است، لیکن یکی از نخستین پرسشهایی که در اقتصاد توسعه مطرح شده این است که چه عوامل و امکاناتی، امکان رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می آورند و چگونه سازمان ها و سیاست های مختلف بر این سیاست اثر می گذارند؟

## ۲-۲- رشد اقتصادی از دیدگاه اقتصاددانان مختلف

همه اقتصاددانان کلاسیک مثل اسمیت، هیوم، ریکاردو، مالتوس، استوارت میل و مارکس در نظریات اقتصادی خود به موضوع رشد پرداخته اند. دلیل اهتمام نظریه پردازان کلاسیک به مباحث رشد از تاکید و اهتمام آن ها بر طرف عرضه اقتصاد نشات می گیرد، آنچه که نظریات رشد کلاسیکی را از نظریات رشد بعدی مثل نظریه ی رشد نئوکلاسیک ها متمایز می سازد ماهیت درون زای آنها است. نظریات رشد درون زا به نظریاتی گفته می شود که در آنها وضعیت رشد اقتصادی کشورها با انتخاب، تصمیم و بهینه یابی مردم و عوامل خصوصی رقم

می خورد. یعنی حداکثر کردن مطلوبیت، مبنای تصمیم فراغت-درآمد و تصمیم صرف زمان برای تشکیل سرمایه انسانی است و حداکثر کردن سود نیز مبنای تصمیم در مورد مخارج تحقیق و توسعه، ابداع و نوآوری گسترش مقیاس بنگاه ها است. نظریات رشد برون زا به نظریاتی گفته می شود که در آنها عوامل تاثیر گذار بر رشد و رفاه مثل پیشرفت فنی و نرخ رشد نیروی کار و ..... برون زا در نظر گرفته می شود. مدل های رشد نئوکلاسیکی از نوع برون زا هستند، اما مدل های رشد جدید دوباره بصورت درون زا توصیف شده اند. (شاگری، عباس، ۱۳۸۷)

## ۲-۲-۱- تئوری رشد اقتصادی آدام اسمیت<sup>۱</sup>

تقسیم کار نقطه آغازین تئوری رشد اقتصادی آدام اسمیت است. پنداره بازده های مبتنی بر تقسیم کار را در اقتصاد وارد کرد. وی تقسیم کار را به عنوان اساس اقتصاد اجتماعی درک کرد. اسمیت سه سرچشمه بازده های فزاینده را که از تقسیم کار ناشی می شود، مطرح می کند. نخست، در نتیجه افزایش مهارت در هر کارگر، در ثانی، صرفه جویی در وقت که معمولاً در گذر از یک قطعه به دیگری به هدر می رود و سرانجام اختراع شمار زیادی ماشین آلات که کار را آسان و مختصر می کند و یک فرد را قادر می سازد که کار چند نفر را انجام دهد. آخرین مورد افزایش بازدهی نه از نیروی کار، بلکه از سرمایه سرچشمه می گیرد. این تکنولوژی و پیشرفتهای فنی است که سبب تقسیم کار براساس تخصص ها می شود و از طرفی توانایی تخصص یافتن یا تقسیم کار بستگی به وسعت بازار دارد. بدین معنی که تقسیم کار همراه با افزایش ابعاد بازار افزایش می یابد. بدین منظور گسترش بازرگانی و تجارت بین المللی سودآور است.

---

<sup>1</sup>- Adam Smith



آدام اسمیت تأکید می کند که تمرکز سرمایه قبل از شروع روند تقسیم کار صورت گیرد. به عقیده وی نرخ سرمایه گذاری از طریق نرخ پس اندازها تعیین می شود و تمام پس اندازها نیز سرمایه گذاری می شوند. در نتیجه، زمانی اقتصاد در حالت تعادل است که میزان پس اندازها برابر با سرمایه گذاری ها باشد و قوه محرکه در سرمایه گذاری از میزان سود ناشی می شود. اگر سود پایین بیافتد میل به سرمایه گذاری کاهش می یابد.

به عقیده آدام اسمیت، کشاورزان، تولیدکنندگان و تجار عوامل اصلی پیشرفت اقتصادی هستند. این تجارت آزاد با آزادی مالکیت و رقابت است که کشاورزان، تولیدکنندگان و تجار را وا می دارد بازارها را گسترش دهند که این نیز خود، توسعه اقتصادی را ممکن می سازد. وظایف این سه عامل رشد با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

آدام اسمیت معتقد است که روند رشد به صورت بهم پیوسته و مجتمع است. زمانی که در نتیجه پیشرفت بخش های کشاورزی، صنعت و تجارت، رفاه ایجاد گردد، موجب تمرکز سرمایه، پیشرفت فنی، افزایش جمعیت، گسترش بازارها، تقسیم کار براساس تخصص ها و افزایش سود بطور همزمان می شود (تیرال وال، آیف، ۱۳۷۸).

## ۲-۲-۲- دیوید ریکاردو<sup>۱</sup>

ریکاردو اقتصاد را به عنوان یک "مزرعه بزرگ" با عرضه ثابت در نظر می گیرد که تنها سرگرم تولید غله از طریق استفاده از واحدهای همگن کار و سرمایه است. در این سیستم، تولید بین سه گروه زمین داران، سرمایه داران و کارگران بصورت اجاره، سود و دستمزد تقسیم می شود.

به عقیده ریکاردو، تمایلی طبیعی برای کاهش نرخ سود در اقتصاد وجود دارد تا اینکه کشور در نهایت به مرحله موقعیت رکودی خواهد رسید. وقتی که تمرکز سرمایه، به دلیل

---

<sup>1</sup> - David Ricardo

افزایش سود زیاد شود، تولید کل نیز افزایش می یابد که این نیز به نوبه خود سبب افزایش دستمزد پرداختی می شود، در نتیجه افزایش دستمزدها و رفاه بیشتر، جمعیت افزایش می یابد که این خود تقاضا برای غله را افزایش می دهد و در نتیجه قیمت آن نیز افزایش می یابد. در حالی که همگام با افزایش جمعیت، زمین های نامرغوب تر نیز با بکارگیری روش های نوین فنی مورد بهره برداری قرار می گیرد تا بتوان افزایش تقاضای غله را جبران کرد. در این حالت سود برابر صفر است و دوران را رکود اقتصادی در بر خواهد گرفت. تمرکز سرمایه متوقف شده و دستمزدها برابر با سطح حداقل معاش گشته و پیشرفت های فنی نیز متوقف می شوند. حتی پیشرفت های فنی هم نمی تواند این روند طبیعی را متوقف کند، یعنی مانع از بین رفتن کامل سود و ظهور موقعیت رکود در اقتصاد شوند. (قره باغیان ، مرتضی)

ریکاردو یکی از بدبینان کلاسیک بوده است که پیش بینی نموده بود، اقتصادهای سرمایه داری در یک وضع ایستا بدون رشد و نیز بر اثر بازده های کاهنده در کشاورزی پایان می پذیرند. در الگوی ریکاردو، همانند الگوی اسمیت، رشد و توسعه تابعی است از انباشت سرمایه و انباشت سرمایه نیز بستگی به منافع دارد که مجدداً سرمایه گذاری شده اند. از سوی دیگر منافع بین دستمزدهای معین و پرداخت اجاره بها به زمین داران در فشار قرار گرفته است و این فشار با توجه به بازده های کاهنده در زمین و هزینه های صعودی نهایی، افزایش می یابد. (تیرال وال، آف، ۱۳۷۸).

## ۲-۲-۳- جان استوارت میل<sup>۱</sup>

اقتصاددان مشهور کلاسیک است که با استفاده از دو جریان فکری نظریه افزایش جمعیت مالتوس و نظریه بازده نزولی ریکاردو با تکیه بر اصول اقتصاد سیاسی اسمیت معتقد بود که الگوی توسعه اقتصادی و نتایج آن را نمی توان بطور مؤثر عمومی ساخت و برای تمامی جوامع عمومی نمود، مگر اینکه تفاوت و شرایط اجتماعی در هر جامعه را در نظر گرفت.

استوارت میل تمایل داشت تا مسائل اقتصادی را بر طبق عدالت اجتماعی و نه بازده اقتصادی ارزیابی نماید، او اتحادیه ها و تعاونیهای کارگری را به داشتن قدرت در تغییر عرضه و تقاضای نیروی کار به عنوان یک عامل مهم رشد اقتصاد به حساب می آورد. از نظر وی افزایش در تولید به دو عامل اضافه محصول باقی مانده پس از رفع نیازهای طبقه مولد و میل نهایی به پس انداز بستگی دارد. او وجود زمین های حاصلخیز در توسعه را مؤثر می دانست و معتقد بود که قانون بازده نزولی در کشاورزی فقط به هنگامی اتفاق می افتد که دو عامل از عوامل سه گانه کار، سرمایه و زمین ثابت بماند. برغم اهمیت نقش سرمایه اعتقاد داشت که نرخ سود روندی نزولی خواهد داشت و در سطحی از پس انداز صفر خواهد شد. (قره باغیان ، مرتضی، ۱۳۸۰)

## ۲-۲-۴- الگوی رشد اقتصادی هارود-دومار<sup>۲</sup>

اولین کوشش علمی برای توسعه و تنظیم الگوی کینزی به منظور بررسی مسئله بلند مدت رشد اقتصادی توسط روی هارود<sup>۳</sup>، اقتصاددانان انگلیسی و روسی دومار<sup>۴</sup>، اقتصاددان روسی تبار آمریکایی انجام شده است. با اینکه تفاوت های جزئی بین الگوی هارود و دومار وجود

<sup>۱</sup> - John Stuart Mill

<sup>۲</sup>-Harrod Domar

<sup>۳</sup> - Roy Harrod (March 1929)

<sup>۴</sup> - Evsey D.Domar Expansion and Employment, American Economic Review, XXXVII (March 1947),

pp

دارد، این الگوها آنقدر از نظر روش بررسی با یکدیگر مشابهند که هر دو را می توان در قالب یک الگوی رشد اقتصادی بررسی کرد.

در الگوی دومار، دو فرض مهم وجود دارد، اولین فرض مربوط به خصلت دوگانه سرمایه گذاری (ویژه) است. سرمایه گذاری از یک طرف براساس فرایند ضریب افزایش کینز موجب افزایش تولیدات واقعی از طریق افزایش در میزان تقاضای مصرفی برای کالاهای گوناگون می گردد و از طرف دیگر موجب افزایش ظرفیت تولید می شود.

ظرفیت تولیدی به قدرت تولیدی بالفعل اقتصادی مربوط می شود. یعنی اینکه اقتصاد در شرایطی که سرمایه گذاری ویژه به میزان معین افزایش یافته و سایر عوامل تولید و شرایط تکنیکی ثابت است تا چه حد قادر است تولیدات واقعی را افزایش دهد. گاهی ممکن است که، اقتصاد قادر نباشد از حداکثر ظرفیت تولیدی خود استفاده کند، در این صورت مقدار زیادی از ظرفیت تولید به صورت "ظرفیت بیکار" را کد خواهد ماند، و یا اینکه در مواردی ممکن است اقتصاد احتیاج داشته باشد که حداکثر ظرفیت تولیدی را نیز افزایش دهد که در آن صورت، ماهیت مسئله فرق خواهد کرد. به هر حال، هر گاه دو اثر سرمایه گذاری یعنی اثرات افزایش تولیدات واقعی درآمد ملی و اثرات افزایش ظرفیت تولیدی با یکدیگر هماهنگ نشود، امکان وقوع رکود اقتصادی در اقتصاد بسیار زیاد است.

بنابراین سرمایه گذاری (ویژه) در هر زمان دارای دو اثر درآمد و ظرفیت تولیدی است. هر گاه مقدار سرمایه گذاری ویژه در هر زمان برابر با حجم پس انداز موجود باشد. آنچه از محصول کل توسط مصرف کنندگان خریداری نمی شود از بازار خارج می شود و در نتیجه، ارزش تقاضای کل تولید در آن دوره با افزایش عرضه کل تولید برابر می گردد و از این رو سطح متعادل محصول و درآمد ملی بدست می آید. این در واقع همان اصل کینزی است که برحسب آن، برای ایجاد تعادل در سطح تولید و درآمد ملی، ارزش کل سرمایه گذاری باید با